



معناشناسی تاریخی مهریه در قرآن کریم

دکتر محمدحسین شیرزاد



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
تابستان ۱۴۰۲

شیرزاد، محمدحسین، ۱۳۶۸ -
معناشناسی تاریخی مهریه در قرآن کریم / محمدحسین شیرزاد. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲.
نه، ۱۸۲ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۶۷۹: قرآن پژوهی؛ ۸۸)
بها: ۱۱۵۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه، ص. [۱۶۳] - ۱۸۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. مهر (حقوق مدنی) -- تاریخ. ۲. Bride price -- History. ۳. مهر (حقوق مدنی) - جنبه‌های قرآنی.
۴. Qur'anic teaching -- Bride price. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
KMH ۵۵۰ ۳۴۶/۵۵۰۱۶
شماره کتابشناسی ملی
۹۰۶۴۷۲۹



معناشناسی تاریخی مهریه در قرآن کریم

مؤلف: دکتر محمدحسین شیرزاد

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۲

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۱۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۷۱۸۵-۳۱۵۱. ص.پ. ۳۲۸۰۳۰۹۰، نامبر: ۳۲۱۱۱۳۰۰)

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: http://rihu.ac.ir/fa/book

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۶۷۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به‌عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته مطالعات زنان، در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری قابل استفاده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، دکتر محمدحسین شیرزاد و نیز از ناظران محترم، حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر سید محمود طیب‌حسینی و حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر علی محمد حکیمیان سپاسگزاری کند.

چهار

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
فصل اول: کلیات، مفاهیم و روش‌شناسی	
درآمد.....	۵
۱. مسئله پژوهش.....	۷
۲. مفاهیم و اصطلاحات پژوهش.....	۱۱
۱-۲. انگاره.....	۱۱
۲-۲. مهریه.....	۱۳
۳. روش‌شناسی پژوهش.....	۱۵
۱-۳. تغییر؛ ملاک اصلی در رویکرد تاریخی به معنا.....	۱۵
۲-۳. تبارشناسی / مسیرشناسی ساخت: روش‌های اصلی در مطالعات معناشناسی تاریخی.....	۱۷
۱-۲-۳. سیر تحول واژگان قرآنی؛ از زبان نیا تا زبان عربی.....	۱۷
۱-۱-۲-۳. زبان آفروآسیایی باستان.....	۱۷
۲-۱-۲-۳. زبان سامی باستان.....	۱۹
۳-۱-۲-۳. زبان عربی.....	۲۰
۲-۲-۳. مبانی تبارشناسی / مسیرشناسی ساخت واژگان قرآنی.....	۲۲
۳-۳. گونه‌شناسی تغییرات معنایی.....	۲۶
۱-۳-۳. توسعه معنایی.....	۲۷
۲-۳-۳. تضییق معنایی.....	۲۸
۳-۳-۳. ارتقای معنایی.....	۲۹
۴-۳-۳. تنزل معنایی.....	۳۰
۵-۳-۳. استعاره.....	۳۱
۶-۳-۳. مجاز.....	۳۲
۴-۳. نقش تحولات فرهنگی در بروز تغییرات معنایی.....	۳۳

پنج

۳۵.....	۴. آیات مهریه در قرآن کریم.....
۳۹.....	جمع‌بندی.....

فصل دوم: معناشناسی تاریخی مهریه در فرهنگ عرب پیش از اسلام

۴۱.....	درآمد.....
۴۲.....	۱. ریشه‌شناسی ماده «مهر».....
۴۳.....	۱-۱. بیجویی «مهر» در ریشه‌های ثنایی.....
۴۵.....	۱-۲. ساخت معنای «ثروت» از «دام».....
۴۷.....	۱-۳. مهر به معنای «قیمت خرید».....
۴۸.....	۱-۴. مهر به معنای «قیمت خرید زن» بر پایه تضییق معنایی.....
۵۱.....	۱-۵. تحلیلی از رابطه مفهومی بین «دام / ثروت»، «قیمت / بها» و «مهریه / قیمت خرید زن».....
۵۲.....	۱-۶. ارتقای معنایی در مهر.....
۵۳.....	۲. ازدواج مبتنی بر الگوی «مهر».....
۵۴.....	۱-۲. مؤلفه‌های ازدواج مهرمحور.....
۵۴.....	۱-۱-۲. ازدواج به‌مثابه بردگی؛ مهریه به‌مثابه قیمت خرید برده.....
۵۶.....	۲-۱-۲. پدر دختر به‌عنوان صاحب مهریه.....
۵۸.....	۲-۱-۳. دختر به‌عنوان یک سرمایه ارزشمند مالی برای پدر.....
۶۰.....	۲-۱-۴. پدرتباری در شبه‌جزیره عربستان.....
۶۲.....	۲-۱-۴. پدرمکانی در شبه‌جزیره عربستان.....
۶۲.....	۲-۱-۴. کارکردهای پرداخت مهر در فرهنگ جاهلی.....
۶۴.....	۲-۱-۵. اشکال پرداخت مهریه در ازدواج مهرمحور.....
۶۴.....	۲-۱-۵-۱. نکاح شغار؛ مبادله زنان با هم به‌مثابه مهر.....
۶۵.....	۲-۱-۵-۲. مبادله زنان با پول یا اجناس قیمتی.....
۶۷.....	۲-۱-۵-۳. خرید زن به ازای ارائه خدمت.....
۶۸.....	۲-۲. آثار ازدواج مهرمحور.....
۶۸.....	۲-۲-۱. سنگین بودن میزان مهریه در ازدواج مهرمحور.....
۷۰.....	۲-۲-۲. نقش مهر در شکل‌گیری اشکال جدید از ازدواج.....
۷۱.....	۲-۲-۲-۱. نکاح شغار.....
۷۱.....	۲-۲-۲-۲. نکاح بدل.....
۷۲.....	۲-۲-۲-۳. نکاح مضامده.....
۷۲.....	۲-۲-۲-۴. نکاح ضییزن یا مقت.....
۷۳.....	۲-۲-۲-۵. زن برادرگزینی و خواهرزن‌گزینی.....
۷۴.....	جمع‌بندی.....

فصل سوم: معناشناسی تاریخی مهریه در فرهنگ قرآنی: اجر و فریضه

درآمد.....	۷۷
۱. رابطه مفهومی بین اجر و فریضه.....	۷۸
۲. ریشه‌شناسی ماده «فرض».....	۸۱
۱-۲. پیجویی از ریشه‌های ثنایی.....	۸۱
۲-۲. «فرض» در زبان‌های سامی.....	۸۳
۳-۲. فرآیند ساخت معنای مهریه دادن از «فرض».....	۸۴
۱-۳-۲. بُریدن؛ نقطه آغاز برای ساخت معنای مهریه.....	۸۴
۲-۳-۲. ساخت معنای سهم دادن از بریدن: مهریه به‌مثابه سهم زن از اموال شوهر.....	۸۸
۳-۳-۲. ساخت معنای فرمان دادن از بریدن: مهریه به‌مثابه دستور الهی.....	۹۰
۴-۳-۲. جمع‌بندی: مؤلفه‌های معنایی «فریضه» به معنای «مهریه».....	۹۱
۳. ریشه‌شناسی ماده «أجر».....	۹۲
۱-۳. اجاره کردن؛ نقطه آغاز برای ساخت معنای مهریه.....	۹۲
۱-۱-۳. «أجر» به معنای مزد دادن: اجاره خدمات.....	۹۳
۱-۱-۱-۳. کاربردها در عربی و دیگر زبان‌های سامی.....	۹۳
۲-۱-۱-۳. کاربردها در قرآن کریم.....	۹۶
۲-۱-۳. «أجر» به معنای کرایه دادن: اجاره اعیان.....	۹۸
۳-۱-۳. جمع‌بندی معنای اجاره کردن.....	۹۹
۲-۳. ساخت معنای ثانوی از اجاره خدمات بر پایه استعاره.....	۱۰۰
۱-۲-۳. دلالت «اجر» بر «پاداش الهی»؛ رابطه خدا و انسان به‌مثابه رابطه مستأجر و اجیر.....	۱۰۰
۲-۲-۳. دلالت «اجر» بر «مهریه»؛ رابطه شوهر و همسر به‌مثابه رابطه مستأجر و اجیر.....	۱۰۲
۴. ازدواج مبتنی بر الگوی «اجر» و «فریضه».....	۱۰۳
۱-۴. مؤلفه‌های ازدواج اجر محور و فریضه محور.....	۱۰۳
۱-۱-۴. ازدواج به‌مثابه امری دینی و شرعی.....	۱۰۳
۲-۱-۴. شخص زن به‌عنوان صاحب مهریه.....	۱۰۴
۳-۱-۴. پرداخت مهریه به زن؛ ابزاری برای جبران رابطه جنسی.....	۱۰۶
۲-۴. آثار ازدواج اجر محور و فریضه محور.....	۱۰۸
۱-۲-۴. متعادل بودن میزان مهریه در ازدواج اجر محور و فریضه محور.....	۱۰۸
۲-۲-۴. تثبیت متعه در دین اسلام به‌عنوان نوعی ازدواج مشروع.....	۱۰۹
جمع‌بندی.....	۱۱۲

فصل چهارم: معناشناسی تاریخی مهریه در فرهنگ قرآنی: صدقه و نحلّه

درآمد.....	۱۱۵
۱. رابطه مفهومی بین صدقه و نحلّه.....	۱۱۶
۲. ریشه‌شناسی ماده «ص‌دق».....	۱۱۷

هفت

- ۱۱۷..... ۱-۲. معنای ریشه در زبان عربی.....
- ۱۲۲..... ۲-۲. معنای ریشه در دیگر زبان‌های سامی.....
- ۱۲۲..... الف) زیرشاخه شمالی حاشیه‌ای:.....
- ۱۲۲..... ب) زیرشاخه اوگاریتی:.....
- ۱۲۲..... ج) زیرشاخه کنعانی:.....
- ۱۲۴..... د) زیرشاخه آرامی:.....
- ۱۲۵..... هـ) زیرشاخه عربی جنوبی باستان:.....
- ۱۲۵..... و) زیرشاخه عربی جنوبی معاصر:.....
- ۱۲۵..... ز) زیرشاخه حبشی:.....
- ۱۲۶..... ۳-۲. تحلیل کاربردها.....
- ۱۲۷..... ۴-۲. فرآیند ساخت معنای مهریه دادن از «ص‌دق».....
- ۱۲۷..... ۱-۴-۲. پیجویی از ریشه‌های ثنایی.....
- ۱۲۸..... ۲-۴-۲. راستی و عدالت؛ نقطه آغاز برای ساخت معنای مهریه.....
- ۱۳۰..... ۳-۴-۲. ساخت معنای عدالت از راستی؛ مروری بر انتقال‌های معنایی مشابه.....
- ۱۳۲..... ۴-۴-۲. ساخت معنای حقوق مالی از عدالت و دادگری.....
- ۱۳۲..... ۱-۴-۴-۲. صَدَقَه؛ حَقِّی مالی برای نیازمندان در راستای برقراری عدالت.....
- ۱۳۴..... ۲-۴-۴-۲. صَدَقَه؛ حَقِّی مالی برای زنان در راستای برقراری عدالت.....
- ۱۳۵..... ۵-۴-۲. جمع‌بندی: مؤلفه‌های معنایی «صَدَقَه» به معنای «مهریه».....
- ۱۳۶..... ۳. ریشه‌شناسی ماده «ن‌حل».....
- ۱۳۶..... ۱-۳. گونه‌شناسی آرای تفسیری درباره معنای نحل.....
- ۱۳۷..... ۱-۱-۳. نحل به معنای مهریه.....
- ۱۳۷..... ۲-۱-۳. نحل به معنای فریضه یا واجب الهی.....
- ۱۳۸..... ۳-۱-۳. نحل به معنای هدیه و عطیه.....
- ۱۴۰..... ۲-۳. پیجویی «ن‌حل» در ریشه‌های ثنایی.....
- ۱۴۰..... ۱-۲-۳. نَحْل؛ محصول الحاق پیش‌ساز «ن» به بن «حل» به معنای «شیرینی».....
- ۱۴۱..... ۲-۲-۳. نَحْلَه؛ محصول الحاق پیش‌ساز «ن» به بن «حل» به معنای «دادن».....
- ۱۴۲..... ۳-۳. معنای «ن‌حل» در زبان‌های سامی.....
- ۱۴۳..... ۱-۳-۳. معنای ریشه در زبان عربی.....
- ۱۴۳..... ۲-۳-۳. معنای ریشه در دیگر زبان‌های سامی.....
- ۱۴۴..... الف) زیرشاخه شمالی حاشیه‌ای:.....
- ۱۴۴..... ب) زیرشاخه اوگاریتی:.....
- ۱۴۴..... ج) زیرشاخه کنعانی:.....
- ۱۴۴..... د) زیرشاخه آرامی:.....
- ۱۴۵..... هـ) زیرشاخه عربی جنوبی باستان:.....
- ۱۴۵..... ۴-۳. معنای «نحلَه» در آیه نساء، ۴ با تکیه بر معناشناسی تاریخی.....

هشت

۱۴۵.....	۳-۴-۱. نقد آرای تفسیری گذشتگان.....
۱۴۶.....	الف) نقد تفسیر نحله به مهریه:
۱۴۶.....	ب) نقد تفسیر نحله به فریضه و واجب شرعی:
۱۴۷.....	ج) نقد تفسیر نحله به هدیه خداوند متعال به زنان:
۱۴۷.....	د) نقد تفسیر نحله به هدیه مردان به زنان:
۱۴۷.....	۳-۴-۲. رأی مختار درباره معنای «نحله»
۱۴۹.....	۴. ازدواج مبتنی بر الگوی «صدق» و «نحله»
۱۴۹.....	۴-۱. مؤلفه‌های ازدواج صدقه‌محور و نحله‌محور در قیاس با گونه‌های پیشین
۱۴۹.....	۴-۱-۱. ازدواج به‌مثابه امری حقوقی و قضایی
۱۵۱.....	۴-۱-۲. شخص زن به‌عنوان صاحب مهریه
۱۵۲.....	۴-۱-۳. پرداخت مهریه به زن؛ ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی
۱۵۳.....	۴-۲. آثار ازدواج صدقه‌محور و نحله‌محور در قیاس با گونه‌های پیشین
۱۵۳.....	۴-۲-۱. متعادل بودن میزان مهریه در این نوع ازدواج
۱۵۴.....	۴-۲-۲. ارتقای شأن و جایگاه زنان در جامعه
۱۵۵.....	جمع‌بندی
۱۵۷.....	نتیجه‌گیری
۱۶۳.....	کتابنامه

مقدمه

قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی که برای هدایت بشر فرو فرستاده شده، در بردارنده آموزه‌هایی مهم در باب روابط زناشویی است. این آموزه‌ها ناظر به حوزه‌های مختلف نکاح همچون نفقه (بقره، ۲۳۳؛ نساء، ۳۴)، ارث (نساء، ۱۲)، طلاق (طلاق، ۱-۷)، تعدد زوجات (نساء، ۳)، ازدواج موقت (نساء، ۲۴)، نشوز (نساء، ۳۴، ۱۲۸) و اخلاق جنسی (نساء، ۲۲-۲۳) می‌شود و حقوق متقابل زن و شوهر نسبت به یکدیگر را بیان می‌دارد. به اینها باید موضوع مهم «مهریه» را علاوه کرد که با اختصاص یافتن ۱۴ آیه قرآنی به آن، از جمله مباحث پرتکرار در قرآن کریم در حوزه ازدواج به شمار می‌آید (نک: بقره، ۲۲۹، ۲۳۶-۲۳۷؛ نساء، ۴، ۱۹-۲۱، ۲۴-۲۵؛ مائده، ۵؛ قصص، ۲۷؛ احزاب، ۵۰؛ ممتحنه، ۱۰-۱۱). توجه گسترده قرآن کریم به مهریه می‌طلبد که این پدیده با رویکردهای مختلف علمی مورد مطالعه قرار گیرد و زوایای گوناگون آن به بحث و بررسی گذاشته شود.

مطالعه مهریه با رویکردهای مختلف علمی، از دو منظر ضروری است: نخست آنکه مهریه از جمله انگاره‌های چندوجهی در قرآن کریم است که ابعاد متنوع حقوقی، اقتصادی و اجتماعی مهمی در بردارد؛ و دیگر آنکه به دنبال طرح نیازهای نوظهور عصری و شکل‌گیری موج گسترده‌ای از شبهه‌پراکنی‌ها در دوره معاصر، سؤالات بسیاری درباره این دهش مالی به وجود آمده است که هنوز پاسخ درخور نیافته و پژوهش در این حوزه را ضروری ساخته است. از جمله باید شبهه‌ای را یاد کرد که به دنبال اثرپذیری از آموزه‌های غربی، مهریه را یادگار عهد مملوک بودن زن می‌پندارد و پرداخت آن را منافی با شأن و کرامت زنان توصیف می‌کند (برای طرح این دیدگاه، مثلاً نک: منوچهریان، ۱۳۴۲ش، ص ۳۵؛ برای نقد این دیدگاه، ر.ک: مطهری،

۱۳۸۶ ش، ص ۱۷۹-۱۸۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۲۶۳-۲۶۵؛ نیز برای پاسخ به دیگر شبهات مربوط به مهریه، ر.ک: فضل‌الله، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۶۹-۲۷۸).

گذشته از سؤالات و شبهات، در عرصه عمل نیز آموزه‌های اسلامی مربوط به مهریه در ایران معاصر به دست فراموشی سپرده شده و کارکردهایی از آن مورد توجه خانواده‌های ایرانی قرار گرفته است که عملاً مهریه را به یک چالش بزرگ در ازدواج مبدل ساخته است. در برابر آنانی که از گرفتن مهریه - به بهانه منافات با کرامت زنان - سرباز می‌زنند، باید از دیگرانی یاد کرد که افزایش میزان مهریه را نشانه ارزش خود و اعتبار خانواده‌شان می‌پندارند. تلقی نزد عموم چنین است که تعیین مهریه‌های گزاف، کارکرد دیگری هم دارد و آن بر حذر داشتن مردان از طلاق و در نتیجه، تضمین دوام خانواده است؛ حال آنکه هم در عمل، تأثیر آن به اثبات نرسیده، و هم در روایات اسلامی چنین آمده است که مهریه سنگین سرچشمه دشمنی و عداوت است (نک: قاضی نعمان، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۲۲۱).

به هر روی، معضل مهریه چنان دامنگیر زوج‌های ایرانی شده که قانون‌گذاران را به اندیشه برای علاج آن واداشته است؛ جواز افزودن قید «عند الاستطاعه» در صیغه عقد نکاح^۱ و نیز قانون ۱۱۰ سگه (مصوب در اسفند سال ۱۳۹۱ ش)^۲ بخشی از این چاره‌اندیشی‌های حقوقی است که چون با فرهنگ‌سازی و اصلاح اندیشه زوجین همراه نشده، آثار درخوری بر جای نگذاشته است. بی‌تردید، حلّ این مشکلات نیازمند صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف علوم انسانی - به‌ویژه حقوق، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و مطالعات زنان و خانواده - است؛ اما نباید از نقش اندیشمندان علوم اسلامی - به‌ویژه فقه، تفسیر و اخلاق اسلامی - در این حوزه غافل ماند، چرا که آنان نیز می‌توانند با تبیین آموزه‌های شرعی، قرآنی و اخلاقی، به ترویج سبک

۱. در بهمن سال ۱۳۸۵ ش، ریاست وقت سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با صدور بخشنامه‌ای، دفاتر رسمی ثبت ازدواج را مکلف به درج شرط عند الاستطاعه در اسناد ازدواج کرد. بر اساس این بخشنامه مقرر شد، شرطی موسوم به «ج» مشتمل بر دو بند با عناوین «مهریه به صورت عند المطالبه می‌باشد» و «مهریه به صورت عند الاستطاعه می‌باشد» درج گردد، تا زوجین یکی را بر اساس توافق فی‌مابین امضا کنند (مظفری، ۱۳۸۷ ش، ص ۲۷-۲۹؛ برای آگاهی بیشتر درباره این بخشنامه و نقد آن، ر.ک: صیاد و آقایی بجستانی، ۱۳۹۵ ش، سراسر اثر).

۲. نک: قانون حمایت خانواده، ماده ۲۲ (برای آگاهی بیشتر در این باره، ر.ک: عباسی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۵ ش، ص ۶۱-۶۷؛ بهمن‌پوری و جعفرپور، ۱۳۹۶ ش، ص ۱۰۷-۱۲۰).

زندگی اسلامی کمک کنند و نقش خود را در حلّ معضلات مربوط به مهریه ایفا نمایند. در همین رابطه، بحث از منطق قرآنی حاکم بر پرداخت مهریه و فرهنگ‌سازی بابت نشانیدن این منطق دینی به جای منطق‌های خودساخته می‌تواند بخشی از معضل مهریه‌های سنگین و پیامدهای فرهنگی-اجتماعی حاصل از آن را برطرف کند. پژوهش حاضر نیز برای تحقق همین هدف در صدد است با کاربردی رویکرد معناشناسی تاریخی، انگاره مهریه در قرآن کریم را به مطالعه گذارد و آموزه‌های قرآنی مربوط به مهریه را با نگاهی نو بازخوانی کند.

در پایان، شایسته است از همه عزیزانی که به گونه‌ای زمینه انجام این پژوهش را فراهم آوردند، تقدیر کنم؛ از جمله:

- تمامی اساتید گرانقدرم در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) که در طول ۱۲ سال از محضرشان بهره

بردم؛

- استاد معظّم جناب آقای دکتر احمد پاکتچی که کاربردی رویکرد معناشناسی تاریخی در

مطالعات قرآنی را از محضرشان آموختم؛

- جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای دکتر سید محمود طیب حسینی که از آغاز تا

انجام این طرح پژوهشی، از هیچ حمایتی فروگذار نکردند؛

- جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای دکتر علی محمد حکیمیان که به غنای بُعد

حقوقی این اثر یاری رساندند؛

- آقایان دکتر علی فتیحی و دکتر مجید دهقان که ارزیابی این طرح پژوهشی را بر عهده داشتند؛

- و نیز برادرم دکتر محمدحسن شیرزاد که این اثر مدیون مباحثات شبانه‌روزی با او در طول

بیش از ۱۸ ماه است.

به طور ویژه، بر خود لازم می‌دانم که از پدر و مادر عزیزم قدردانی نمایم که پیوسته از الطاف

و حمایت‌های بی‌دریغشان بهره برده‌ام. از خدای متعال برای ایشان، سعادت و بهروزی طلب

می‌کنم.

«رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَذْخِلْنِي

بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ» (نمل، ۱۹).

محمدحسین شیرزاد

بهمن‌ماه ۱۴۰۰ شمسی

فصل اول

کلیات، مفاهیم و روش‌شناسی

درآمد

تفسیر دانشی است که پیوسته در طول تاریخ علوم و معارف اسلامی، آغوشی باز برای بهره‌مندی از دستاوردهای دیگر دانش‌ها داشته است؛ به گونه‌ای که کمتر می‌توان نمونه مشابهی با آن را در دیگر علوم اسلامی سراغ داد. این ویژگی البته به ماهیت این دانش و موضوع مطالعه آن - یعنی قرآن کریم - بازمی‌گردد که مفسر را نیازمند استفاده از دانش‌های مختلف نقلی، عقلی، متنی و... می‌سازد؛ به حدی که تا سده پنجم قمری، تفسیر هنوز به مثابه یک دانش مستقل در نظر گرفته نمی‌شد، تا آنکه به تدریج این درک حاصل گشت که گرچه تفسیر فارغ از دیگر دانش‌ها امکان فرض ندارد، اما تلفیق علوم مختلف در قالب تفسیر و هم‌افزایی آنها با یکدیگر محصول جدیدی را تولید می‌کند که نمی‌توان آن را در دیگر دانش‌های اسلامی سراغ گرفت (برای آگاهی بیشتر در این باره، نک: پاکتچی، ۱۳۸۷ش-د، ص ۶۸۷-۶۹۰).

این دانش‌های کمکی که غالباً از آن تحت عنوان «علوم مقدماتی تفسیر» یاد می‌شود، هم مشتمل بر علوم اسلامی - نظیر علم الحدیث، فقه، اصول فقه و کلام اسلامی - است و هم مشتمل بر علوم عرفی - نظیر لغت، صرف، نحو، معانی، بیان و بدیع -، که نشان می‌دهد عالمان تفسیر هیچ‌گاه فهم قرآن را منحصر به دانش‌های اسلامی نمی‌ساختند، بلکه معتقد بودند دانش‌های برآمده از خاستگاه غیر اسلامی نیز از نقشی تعیین‌کننده در عملیات تفسیر برخوردارند.^۱ مسیر استفاده از دانش‌های عرفی در تفسیر قرآن، در دهه‌های اخیر نیز همچنان

۱. بخش مهمی از سلسله مباحث مربوط به روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، به بحث از نقش همین علوم در

باز بوده است و از کاربرد یافته‌های علوم طبیعی در تفسیر آیات^۱ تا کاربست دانش‌های زبان‌شناسی، مردم‌شناسی، روایت‌شناسی و امثال آن را در بر می‌گیرد. پژوهش حاضر با عنایت به این نکته که اولاً: پرسش‌ها و نیازهای نوظهور در دوران معاصر، توسعه بیشتر در دانش تفسیر را می‌طلبد، و ثانیاً: به خدمت گرفتن دستاوردهای علوم عرفی در حوزه تفسیر – متناسب با اقتضات قرآن کریم – امری پسندیده و تلاشی درخور است، می‌کوشد با اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای،^۲ از ظرفیت‌های دانش معنانشناسی بهره‌برداری کند و از حیث روشی، به غنی‌سازی ابزارهای فهم قرآن یاری رساند. در این راستا، نیک می‌دانیم که عالمان مسلمان همواره آگاهی از معنای واژگان قرآنی را به‌عنوان یکی از دانش‌های مقدماتی برای تفسیر این کتاب مقدس برشمرده و در طول سده‌های متمادی، به تألیف طیف گسترده‌ای از آثار علمی در قالب غریب القرآن، معانی القرآن، مفردات القرآن و... همت گمارده‌اند. به‌رغم این کوشش‌های وسیع و درخور، هنوز می‌توان واژگانی چند از قرآن کریم را فهرست کرد که بنا به دلایل گوناگون، همچنان بخشی از مؤلفه‌های معنایی‌شان از نظر پوشیده مانده است. از آن جمله باید واژه‌های متعلق به حوزه معنایی «مهریه» را نمونه آورد که هنوز پرسش‌های متعددی درباره آنها باقی است که پاسخ‌های درخور می‌طلبد. به نظر می‌رسد، مطالعه معنانشناسانه این واژگان می‌تواند بستر را برای شناخت عمیق‌تر از دیدگاه قرآن کریم درباره مهریه فراهم آورد و به این شکل، گامی مؤثر در تفسیر آیات مرتبط با این موضوع بردارد.

-
- تفسیر قرآن اختصاص دارد (مثلاً نک: ایزدی مبارکه، ۱۳۷۶ش، ص ۵۵-۱۸۰؛ مؤدب، ۱۳۸۰ش، ص ۱۶۵-۳۰۰؛ علوی مهر، ۱۳۸۱ش، ص ۵۷ به بعد).
۱. بهره‌گیری از یافته‌های علوم تجربی در فهم آیات قرآنی، گونه جدیدی از تفسیرنگاری را به وجود آورده است که در محافل قرآن‌پژوهی «تفسیر علمی» خوانده می‌شود (برای آگاهی بیشتر در این باره، نک: معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۶؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵ش، سراسر اثر). این سنخ از پژوهش آنقدر در جهان اسلام توسعه یافته که انگاره اعجاز قرآن را دچار تحولی شگرف کرده است؛ در حالی که قدما با طرح نظریه‌هایی چون صرفه، اخبار از غیب، نظم و بلاغت می‌کوشیدند عجز مخلوقات از آوردن کلماتی مشابه با قرآن را اثبات کنند (معرفت، ۱۳۷۹ش، ص ۳۶۳-۳۶۵)، جمع کثیری از معاصران «اعجاز علمی» را به‌عنوان وجه جدیدی از اعجاز این کتاب مقدس مطرح ساخته و به بازخوانی آیات قرآنی در این قالب پرداخته‌اند (در ایران، مثلاً نک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱ش، سراسر اثر؛ در دیگر کشورهای اسلامی، مثلاً نک: جمیلی، ۲۰۰۰م، سراسر اثر؛ فیومی، ۲۰۰۴م، سراسر اثر).
۲. برای آگاهی بیشتر درباره مطالعات میان‌رشته‌ای، ر. ک: Klein, 1990, passim.

۱. مسئله پژوهش

در بحث از مسئله اصلی این پژوهش باید به دو نکته مقدماتی اشاره کرد: نخست آن که آنچه قرار است در این پژوهش بدان پرداخته شود، شناخت معنای انگاره مهریه در قرآن کریم است (موضوع پژوهش)؛ و دیگر آن که برای تحقق اهداف این پژوهش، راهکاری که پیشنهاد و سپس دنبال می‌شود، واکاوی معنای انگاره مهریه در آیات قرآنی با استفاده از رویکرد معناشناسی تاریخی^۱ است (روش انجام پژوهش).

در رابطه با نکته نخست - یعنی موضوع این پژوهش - باید گفت، در بادی امر چنین به نظر می‌رسد که معنای انگاره مهریه در قرآن کریم از وضوح کافی برخوردار است و عالمان تفسیر نیز همه آنچه را که برای شناخت ابعاد مختلف این انگاره نیاز بوده است، مطرح ساخته‌اند؛ بنابراین حرف ناگفته‌ای درباره مهریه باقی نمانده است و در نتیجه ضرورتی برای انجام پژوهشی جدید در این باره احساس نمی‌شود. در رابطه با نکته دوم - یعنی روش انجام این پژوهش - نیز باید به این پرسش پاسخ داد که معناشناسی تاریخی چگونه می‌تواند به‌عنوان مکمل سنت تفسیری، آگاهی‌های ما از انگاره مهریه را افزایش دهد و خلأهای معرفتی درباره آن را پر نماید. در رابطه با آنچه در بند قبل گذشت باید خاطر نشان کرد، مهریه انگاره‌ای است که براساس دریافت‌ها و تلقی‌های مختلفی که از آن وجود دارد، با واژه‌های گوناگونی یاد می‌شود؛ به طور مشخص، مطابق با دیدگاه عالمان لغت و تفسیر، چهار واژه در آیات قرآنی این انگاره را نمایندگی می‌کنند که به ترتیب بسامد در کاربرد عبارتند از: «أجر»، «فَرِيضَةٌ»، «صَدَقَةٌ» و «نِحْلَةٌ»^۲. با این حال باید دانست، آنچه در دوره پیش از اسلام و در فرهنگ جاهلی، انگاره مهریه را نمایندگی می‌کرده، واژه «مهر» بوده است که از لحاظ تاریخی، سابقه‌ای بس دراز در فرهنگ سامی دارد و همزاد^۳ هایش را می‌توان در زبان‌های خویشاوند عربی همچون اوگاریتی،

1. Historical Semantics

۲. پس از «مهر»، واژه‌ای که بیش از همه برای اشاره به انگاره مهریه در متون فقهی کاربرد دارد، «صداق» یا «صداق» است که از منظر زبان‌شناسی، نظیری برای واژه قرآنی «صَدَقَةٌ» به شمار می‌آید (مثلاً نک: محقق حلی، ۱۴۰۳ق-الف، ج ۲، ص ۵۴۵-۵۵۵؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۵۴۵-۵۸۳).

۳. زبان‌شناسان نظیر یک واژه در زبان‌های خویشاوند را «همزاد» (Cognate) می‌خوانند (Campbell & Mixco, 2007, pp. 33-34). برای نمونه، همزاد ماده‌ی عربی «فَسْر» (به معنای تفسیر کردن) در زبان عبری، «پش» است (Gesenius, 1939, p. 1109; Klein, 1987, p. 535).

عبری، آرامی و سریانی نیز بازجست^۱ (برای عربی، نک: مشکور، ۱۳۵۷ش، ج ۲، ص ۸۷۳؛ کمال‌الدین، ۱۴۲۹ق، ص ۳۷۱؛ برای اوگاریتی، نک: Del Olmo Lete & Sanmartin, 2003, pp. 536-537؛ برای عبری، نک: Gesenius, 1939, p. 555؛ برای آرامی ترگوم، نک: Hoftijzer & Jongeling, 1903, vol. 2, pp. 737, 739؛ برای آرامی رسمی، نک: Jastrow, 1903, vol. 2, pp. 737, 739؛ برای سریانی، نک: Brun, 1895, p. 292).

ناگفته پیداست که دلالت ۵ واژه مختلف بر معنای «مهریه» - یعنی واژه «مهر» در فرهنگ جاهلی و واژه‌های «أجر»، «فَرِيضَة»، «صَدُقَة» و «نِحْلَة» در فرهنگ قرآنی - نشان از آن دارد که مهریه برخلاف انتظار اولیه، پدیده‌ای پیچیده و چندلایه است که قرآن کریم برای فرهنگ‌سازی درباره آن، اولاً: واژه جاهلی «مهر» را کنار گذاشته و آن را به حاشیه رانده است؛ و ثانیاً: از چهار واژه متفاوت برای اشاره به مفهوم مهریه استفاده نموده است.

در رابطه با واژه مهر باید گفت، به کار نرفتن این واژه در آیات قرآنی را به هیچ وجه نباید امری تصادفی و اتفاقی انگاشت؛ زیرا مهر از یک سو، اصلی‌ترین واژه‌ای است که هم در زبان عربی کهن و هم در زبان عربی قرآنی، انگاره مهریه را نمایندگی می‌کرده و بر این اساس، اصلی‌ترین نامزد برای کاربرد در آیات قرآنی مربوط به مهریه محسوب می‌شده است؛ و از سوی دیگر، این واژه در زبان عربی مدرسی (کلاسیک) نیز همچنان به حیات خود ادامه داده و هیچ‌گاه از نظام واژگانی زبان عربی حذف نشده است.^۲ بر این اساس، عدم کاربرد واژه مهر در آیات قرآنی را باید حاصل یک انتخاب آگاهانه و به معنای کنار گذاشته شدن آن در نظام فکری قرآن کریم دانست. در رابطه با واژگان «أجر»، «فَرِيضَة»، «صَدُقَة» و «نِحْلَة» نیز باید خاطر نشان کرد، کاربست چهار واژه برای دلالت بر یک معنا حکایت از آن دارد که هر کدامشان مبین بخشی از کارکردها و زوایای مختلف مهریه هستند و از این رو متناسب با سیاق آیات و پیامی که قرار است به مخاطبان منتقل شود، به کار گرفته شده‌اند.

۱. همین واژه است که در قالب وام‌گیری، به زبان فارسی راه پیدا کرده و هم به صورت «مهر» و هم به صورت «مهریه» کاربرد یافته است (نک: برهان تبریزی، ۱۳۴۲ش، ج ۴، ص ۲۰۶۲؛ معین، ۱۳۶۲ش، ج ۴، ص ۴۴۶۲، ۴۴۷۱).

۲. بر پایه داده‌های زبان‌شناسی تاریخی، زبان عربی در سیر تحول خود سه دوره اصلی را پشت سر گذاشته است که از لحاظ قدمت، به ترتیب عبارتند از: عربی کهن، عربی قرآنی و عربی مدرسی (برای آگاهی بیشتر در این باره، نک: بخش «روش‌شناسی پژوهش»).

مبتنی بر آنچه گذشت، معناشناسی تاریخی مهریه در قرآن کریم می‌تواند مسائلی از این قبیل را روشن سازد:

الف) کشف تمایزهای معنایی میان واژه‌های متعلق به حوزه معنایی مهریه: می‌دانیم که همواره درک تمایزهای معنایی میان واژگانی که بر مدلول واحدی دلالت دارند، از جمله اهتمامات عالمان لغت است و به‌ویژه در مطالعات قرآنی، از ارزش تفسیری بسیاری برخوردار است. برای مثال، تمایزهای معنایی میان واژه‌های «خوف» و «خشیت» و «رُعب» که به معنای «ترس» هستند، یا «فُلک» و «سفینه» و «جاریه» که هر سه به معنای «کشتی» هستند، پیوسته از دغدغه‌های عالمان مسلمان بوده و حتی به تألیف آثار تخصصی در این زمینه انجامیده است.^۱ واژه‌های «مهر»، «أجر»، «فَرِیضه»، «صَدَقَه» و «نِحله» نیز در عداد همین واژگان قرار دارند و از این رو، کوشش برای درک تمایزهای معنایی میان آنها از اهمیت بسیاری در مطالعات تفسیری برخوردار است؛ با این حال، این مطلب کمتر مورد توجه لغویان و مفسران قرار گرفته و غالباً این واژگان به یکدیگر معنا شده‌اند (مثلاً نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴، ۴۸۱، ۶۳۰، ۷۹۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۰، ج ۵، ص ۱۸۴، ج ۱۰، ص ۱۹۷، ج ۱۱، ص ۶۵۰؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۱۹۹، ۴۸۵، ج ۵، ص ۱۹۸، ۴۷۸). این در حالی است که مبتنی بر اصل «اقتصاد زبانی»،^۲ یک زبان غالباً دربردارنده واژگان کاملاً مترادف برای اشاره به یک معنا نیست؛^۳ به‌ویژه آنگاه که از متکلم حکیمی چون خداوند متعال و متن معجزی چون قرآن کریم سخن گفته می‌شود، باید دقت‌های لغوی و تفسیری را بسیار افزایش داد و دریافت که هر یک از چهار واژه قرآنی دال بر معنای «مهریه»، حامل چه مؤلفه‌های معنایی هستند که قرآن کریم به فراخور سیاق آیات، هر بار یکی از آنها را مورد استفاده قرار داده است. به بیان دیگر،

۱. شاخص‌ترین اثر در این زمینه، از آن ابوهلال عسکری (د ۳۹۰ق) است که «الفروق فی اللغة» یا «الفروق اللغویة» یا «الفروق بین المعانی» نام دارد (آذرنوش، ۱۳۷۳ش، ص ۴۰۷). ابوهلال خود ترادف تام در واژگان را نمی‌پذیرد و بر این باور است که اختلاف کلمات موجب اختلاف در معانی می‌شود (ابوهلال عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۱۳).

۲. برای آگاهی بیشتر درباره اقتصاد زبانی (Language Economy)، نک: Bussmann, 2006, pp. 1164-1165.

۳. برای مشاهده اثرات این نگرش معناشناختی در مطالعات قرآنی و حدیثی، نک: پاکتچی، ۱۳۹۲ش-الف، ص ۱۹۱؛ پاکتچی، ۱۳۹۴ش، ص ۲۱۶.

مبتنی بر اصل «اقتصاد زبانی»، انتظار این است که میان واژه‌های «مهر»، «أجر»، «فَرِيضَه»، «صَدُقَه» و «نَحْلَه» ترادف تام وجود ندارد؛ بلکه این واژه‌ها به‌رغم دلالت بر مصداقی واحد - یعنی مهریه -، از نظر مفهومی واجد تمایزهای معنایی با یکدیگر هستند (حمل شایع صناعی و نه حمل ذاتی اولی).^۱

ب) بررسی دلایل کنار گذارده شدن واژه «مهر» از نظام واژگانی قرآن کریم: از نکات مهم درباره آموزه‌های قرآنی مربوط به مهریه که کمتر مورد توجه عالمان مسلمان قرار گرفته، تصمیم قرآن کریم مبنی بر حذف واژه «مهر» در فرهنگ اسلامی و جایگزین کردن آن با ۴ واژه جدید است. با نظر به اینکه «واژگان» باز نمودی از تلقی‌ها و باورهای کاربران آن هستند،^۲ کنار گذارده شدن «مهر» آشکارا نشان از اوج تقابل قرآن کریم با فرهنگ عرب جاهلی در این زمینه دارد. این در حالی است که عموم عالمان تفسیر به دلیل آشنا نبودن با زمینه‌های تاریخی و فرهنگی این واژگان، علت حذف واژه «مهر» در آیات قرآنی را در نیافته و برای مثال، واژه «صَدُقَات» در آیه شریفه (وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً...) (نساء، ۴) را به «مهور» تفسیر کرده‌اند (برای اهل سنت، مثلاً نک: ابوعبیده، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۱۱۷؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق، ص ۱۰۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۶۹؛ برای امامیه، مثلاً نک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۸، ۱۲؛ فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۰۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۶۹). بر این اساس، آنان «صَدُقَات» را به واژه‌ای معنا کرده‌اند که قرآن کریم از روی عمد، آن را کنار گذارده و به حاشیه رانده است.

ج) شناخت تحولات رخ داده در انگاره مهریه در گذار از فرهنگ جاهلی به قرآنی: به خوبی روشن است که حذف شدن واژه «مهر» و جایگزین شدن آن با ۴ واژه جدید (= اجر، فریضه، صدقه و نحل) نشان از بروز تحولات معرفتی در انگاره مهریه در گذار از فرهنگ جاهلی به قرآنی دارد. معنانشناسی تاریخی مهریه می‌تواند نشان دهد که قرآن کریم - به‌عنوان یک متن فرهنگ‌ساز - چگونه ماهیت و کارکردهای این پدیده اقتصادی را متحول ساخته، و چه منطق

۱. به گفته عالمان منطق، «حمل شایع صناعی» بر حملی اطلاق می‌شود که در آن، موضوع و محمول از لحاظ مصداقی، متحد و از لحاظ مفهومی مغایرند؛ مثل «الإنسان حیوان». در برابر، «حمل ذاتی اولی» بر حملی اطلاق می‌شود که در آن، موضوع و محمول از لحاظ مفهومی و مصداقی متحدند، ولی مغایرتشان تنها به امری اعتباری مثل اجمال و تفصیل و مانند آن بازمی‌گردد؛ مثل «الإنسان حیواناً ناطقاً» (برای آگاهی بیشتر، نک: مظفر، ۱۳۸۶ش، ص ۸۷-۸۸).

۲. برای آگاهی بیشتر در این باره، نک: پاکتچی، ۱۳۸۷ش-الف، ص ۱۰۰-۱۰۴.

جدیدی را برای آن پایه‌ریزی نموده است.

برای پاسخ به مسائل این پژوهش، کوشش می‌شود از رویکرد معناشناسی تاریخی سود جسته شود و از این طریق، واژه‌های قرآنی دالّ بر معنای مهریه در بستر تاریخی و فرهنگی زمانه نزول مورد مطالعه قرار داده شود. چنین به نظر می‌رسد که کاربست این رویکرد معناشناسی می‌تواند ابعاد مختلف انگاره مهریه را - در قیاس با سنت لغوی و تفسیری - از حیث مؤلفه‌های معنایی روشن‌تر سازد و تصویر دقیق‌تری از دیدگاه قرآن کریم در این باره به دست دهد (برای آگاهی بیشتر درباره معناشناسی تاریخی، نک: بخش «روش‌شناسی پژوهش»).

سرانجام درباره پیشینه پژوهش باید گفت، گرچه در طول تاریخ، طیف گسترده‌ای از عالمان مسلمان - از لغویان و صاحبان تفاسیر ترتیبی گرفته تا مؤلفان کتب و جوه و نظایر و مفردات قرآن - درگیر بحث از واژگانی شده‌اند که بر «مهریه» دلالت دارند، اما تاکنون پژوهشی که انگاره مهریه در قرآن کریم را با رویکرد معناشناسی تاریخی به مطالعه گذاشته باشد، به رشته تحریر درنیامده است.

۲. مفاهیم و اصطلاحات پژوهش

در نوشتار حاضر چند مفهوم و اصطلاح به طور مکرر به کار رفته‌اند که از نقشی کلیدی در پیشبرد و تبیین ایده‌های اصلی این پژوهش برخوردارند. در این بخش کوشش می‌شود اشاره‌ای موجز به این مفاهیم و اصطلاحات صورت بپذیرد؛ با این توضیح که بخش عمده‌ای از آنها ناظر به دلالت‌های روشی هستند که بحث درباره‌شان به بخش روش‌شناسی موکول می‌شود.

۲-۱. انگاره

«انگاره» در این پژوهش، ناظر به اصطلاحی خاص در فضای علوم انسانی و مشتمل بر مؤلفه‌های معنایی ویژه‌ای است که آن را از کاربردهای معمول و غیر فنی این واژه در عرف عام فارسی‌زبانان متمایز می‌سازد. چنانکه محمد معین گفته است، انگاره در زبان فارسی بر چهار معنا دلالت دارد: (الف) پندار، وهم و گمان؛ (ب) داستان، سرگذشت و افسانه؛ (ج) اندازه و مقیاس؛ و (د) حساب و دفتر حساب (معین، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۳۸۸). این در حالی است که

انگاره در پژوهش حاضر نه یک واژه، که اصطلاحی در ردیف فکر، اندیشه و مفهوم^۱ است و به‌عنوان معادلی برای واژه لاتین Idea انتخاب شده است.

در این پژوهش، انگاره بر تصویرهای ذهنی اطلاق می‌شود که از سه خصوصیت اصلی برخوردارند: نخست آنکه اجتماعی‌اند و از ساحت فردی فراتر رفته‌اند؛ دوم آنکه زمان‌مندند و محصول یک فرآیند تاریخی‌اند؛ و سوم آنکه متکی به زبان و واژگان‌اند و خود را در الفاظ جلوه‌گر می‌سازند^۲ (برای اولی و دومی، نک: پاکتچی، ۱۳۹۶ش، ص ۹؛ Lovejoy, 1936, pp. 7, 10, 11, 19؛ برای سومی، نک: گرامی، ۱۳۹۶ش-الف، ص ۳۰-۳۱؛ مهرش، ۱۳۹۷ش، ص ۱۱). بر این اساس، انگاره از لحاظ ماهوی یک امر اجتماعی-تاریخی-زبانی است که دریافت‌ها و تصویرهای ذهنی جماعتی از افراد از یک پدیده یا موضوع خاص را در قالب واژه‌ها به نمایش می‌گذارد؛ دریافت‌هایی که در گذر زمان دچار تغییر و تحول می‌شوند و از حالتی به حالت دیگر درمی‌آیند (گرامی، ۱۳۹۶ش-ب، ص ۱۷-۱۸، ۳۸-۳۹؛ میرحسینی، ۱۳۹۷ش، ص ۵۰).

از اواخر سده ۱۹م این ضرورت در محافل اندیشه و پژوهش احساس شد که انگاره‌ها باید از حیث تاریخی مورد مطالعه قرار گیرند، تا دانسته‌ها درباره تصاویر بین‌الذهانی که در هر جامعه وجود دارد، افزایش پیدا کند. از منظر انگاره‌پژوهان، هر انگاره در بردارنده یک سابقه تاریخی است که می‌توان با تحلیل لایه‌های تاریخی و مفاهیم انباشته درون آن، به اطلاعاتی دست یافت (پاکتچی، ۱۳۹۶ش، ص ۱۱؛ نیز نک: King, 1983, pp. 21 ff.; Hausheer, 2013, pp. xxxvi, xlv). این نوع از مطالعات، «تاریخ انگاره»^۳ نام گرفته است که کارویژه‌اش کاویدن انگاره‌ها از حیث تحولاتی است که در گذر زمان به خود می‌بیند. از خلال این مطالعات مشخص می‌شود که مردمان یک جامعه -مثل عرب عصر نزول- چه دریافت و تصور ذهنی از یک پدیده داشتند، انگاره مزبور چه کارکردی در آن جامعه ایفا می‌کرد، و چرا و

۱. برای آگاهی از تفاوت انگاره با اندیشه و مفهوم، نک: پاکتچی، ۱۳۹۶ش، ص ۹-۱۰؛ گرامی، ۱۳۹۶ش-الف، ص ۲۱-۲۳، ۲۹-۳۳.

۲. از همین روست که انگاره‌پژوهان، «معناشناسی» (از شاخه‌های زبان‌شناسی) را در زمره دانش‌های اثرگذار در مطالعات تاریخ انگاره قرار داده‌اند (گرامی، ۱۳۹۶ش-ب، ص ۳۹؛ Hausheer, 2013, p. xliv).

3. History of Ideas

کلیات، مفاهیم و روش‌شناسی ۱۳

چگونه در گذر زمان دچار تغییر و تحول شد (مهروش، ۱۳۹۷ش، ص ۱۰، ۱۲؛ Lovejoy, 1936, pp. 20-21؛ برای آگاهی از گونه‌های تحول در انگاره، نک: پاکتچی، ۱۳۹۱ش-الف، ص ۷۶ بی).

مبتنی بر آنچه گذشت، «مهریه» را می‌توان نمونه بارز از یک انگاره در آستانه ظهور اسلام قلمداد کرد؛ انگاره‌ای که مبتنی بر دریافت‌های جاهلی، «مهر» خوانده می‌شد، اما در گذار از جاهلیت به اسلام، ابعاد تازه‌ای به خود گرفت، کارکردهای پیشین خود را از دست داد و با واژگان «أجر»، «فَرِيضَه»، «صَدَقَه» و «نِحْلَه» هویت اسلامی یافت. بحث از مراحل، دلایل و کیفیت این تحول انگاره‌ای نیازمند مطالعه درباره تاریخ انگاره مهریه در قرآن کریم است که در پژوهش حاضر با رویکرد معناشناسی تاریخی انجام خواهد پذیرفت.^۱

۲-۲. مهریه

ارائه یک تعریف جامع و مانع از مهریه امری است بسیار دشوار؛ زیرا برخلاف تصوّر اولیه، پرداخت مهر در زمره احکام تأسیسی اسلام^۲ قرار ندارد، بلکه اولاً: پدیده‌ای است نسبتاً رایج در سرتاسر جهان که اختصاص به ملل مسلمان ندارد (بعدها جغرافیایی)، و ثانیاً: از سابقه‌ای بس دراز در جوامع بشری برخوردار است و عمرش به سده‌ها پیش از ظهور اسلام بازمی‌گردد (بعدها تاریخی).

از لحاظ جغرافیایی، پژوهش‌های مردم‌شناختی^۳ اثبات می‌کند که پرداخت مهریه هنوز نزد ۴۶ درصد از جوامع ساکن در سرتاسر جهان، به‌عنوان یک بخش معمول در فرآیند ازدواج در

۱. شایان ذکر است، گرچه پژوهش درباره تاریخ انگاره‌های اسلامی به ندرت انجام گرفته است (برای نمونه، نک: Eliade, 1985, pp. 62-84, 113-151)، اما به‌ویژه در دهه اخیر شاهد رشد چشمگیر این دست از مطالعات در کشورمان هستیم (برای انگاره‌های دینی، مثلاً نک: مهروش، ۱۳۹۴ش، سراسر اثر؛ پاکتچی و شیرزاد، ۱۳۹۸ش-ب، سراسر اثر؛ برای انگاره‌های اجتماعی، مثلاً نک: میرحسینی، ۱۳۹۳ش، سراسر اثر؛ مطیع، ۱۳۹۶ش، سراسر اثر؛ پاکتچی و شیرزاد، ۱۳۹۷ش-الف، سراسر اثر).

۲. برای آگاهی بیشتر درباره دوگانه «احکام تأسیسی / احکام امضایی»، نک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۵۶۱-۵۶۹.

۳. مردم‌شناسی یا قوم‌شناسی (Ethnology)، دانشی است که شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی میان اقوام و ملل مختلف در جهان را به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار می‌دهد (ریویر، ۱۳۹۷ش، ص ۲۶-۲۷؛ عسکری خانقاه و کمالی، ۱۳۹۶ش، ص ۲۱-۲۲).

نظر گرفته می‌شود (See: Murdock, 1957, pp. 675–686). صورتِ بسط‌یافته از این وضعیت را می‌توان در اقوام و ملل آفریقایی مشاهده کرد که بنا بر تخمین‌ها، پرداخت مهر نزد ۸۲ درصد از آنان از رواج گسترده برخوردار است (Ferraro & Andreatta, 2010, pp. 221–222).

اما از لحاظ تاریخی، با قطع نظر از برخی روایات اسلامی که سابقه مهریه را به ازدواج آدم و حواء بازگردانده‌اند (نک: ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۷۹–۳۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۳۵۳–۳۵۴)، سابقه حقوقی و قضایی پرداخت مهر را باید دست‌کم به ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح (ص ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح) بازگرداند. شاهد بر این مطلب، ماده‌های ۱۳۸ و ۱۳۹ از قانون حمورابی – ششمین شاه بابل (۱۸۱۰–۱۷۵۰ق م) – است که در آن از لزوم پرداخت مهریه به اولیای عروس سخن گفته شده است (Barton, 1916, p. 468). افزون بر میان‌رودان، پرداخت مهر در یونان باستان نیز سابقه‌ای دراز داشته و در آثار ارسطو (۳۸۴–۳۲۲ق م) بدان اشاراتی رفته است (Pearson, 1914, p. 210; Woodhouse, 1916, p. 447).

مهریه با این گستره وسیع تاریخی و جغرافیایی عملاً به امری گونه‌گون با ویژگی‌های متفاوت بدل شده و ارائه تعریفی از آن را دشوار ساخته است؛ با این حال، آنچه از برآیند نوشته‌های عالمان علوم انسانی – به‌ویژه دین‌پژوهان و مردم‌شناسان – به دست می‌آید آن است که مهریه در عداد مجموعه متنوعی از تبادلات مالی – نظیر شیربها، جهیزیه و امثال آن – قرار دارد که میان زن و شوهر و خانواده‌های آن دو برقرار می‌شود. در این دست از مطالعات، مهریه مقادیری از مال تعریف می‌شود که از سوی داماد و خانواده او به عروس یا خانواده‌اش پرداخت می‌گردد، تا به ازدواج صورت قانونی و مشروع دهد (برای منابع دین‌شناختی، نک: Rivers, 1916, p. 429; Turner & Frese, 2005, p. 5725؛ برای منابع مردم‌شناختی، نک: Kottak, 2002, p. 271; Ferraro & Andreatta, 2010, pp. 221–222).

به‌سان بسیاری از اقوام بشری، پرداخت مهریه نزد عرب پیش از اسلام نیز امری ضروری انگاشته می‌شد. آنان «مهر» را بر مقادیری از مال اطلاق می‌کردند که به واسطه عقد نکاح بر ذمه مرد قرار می‌گرفت (آلوسی، ۱۳۱۴ق، ج ۲، ص ۳؛ بزو، ۱۹۹۶م، ص ۲۶۴؛ العلی، ۲۰۰۰م، ص ۱۷۸). پرداخت مهر نزد عرب جاهلی از جمله شروط صحت ازدواج و فارق بین

کلیات، مفاهیم و روش‌شناسی ۱۵

سِفاح و نکاح شناخته، و ازدواج بدون مهر به دور از شأن زنان آزاد (حُرّه) انگاشته می‌شد (علی، ۱۹۹۳م، ج ۵، ص ۵۳۰؛ Spies, 1991, p. 78). اصل پرداخت مهریه در دین مبین اسلام نیز مورد تأیید قرار گرفت و با قدری اصلاح به حیات خود ادامه داد. مهریه در فرهنگ اسلامی بر پول یا مالی اطلاق می‌شود که زن بر اثر ازدواج، مالک آن می‌گردد. غالب فقها تعریفی از مهریه ارائه نکرده و تنها درباره موضوع آن سخن گفته‌اند؛ احتمالاً از آن جهت که آن را امری معروف و شناخته نزد مکلفان می‌دانستند^۲ (آراد، ۱۳۴۱ش، ص ۶). با این حال، برخی از ایشان مهریه را «عوض البضع» تعریف کرده، آن را مالی دانسته‌اند که شوهر باید در ازای حق تمتع بپردازد (علامه حلی، ۱۳۶۸ش، ص ۱۸۳؛ نیز طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۳۱۰؛ صاحب جواهر، ۱۳۹۴ق، ج ۳، ص ۱۶۲، ۲۱۰؛ برای نقدهایی بر معاوضی دانستن عقد نکاح، نک: فهیمی و بصارتی، ۱۳۹۱ش، ص ۷۰-۸۶؛ حلیان و ناصری مقدم، ۱۳۹۷ش، ص ۴۶-۵۳).

۳. روش‌شناسی پژوهش

در این بخش کوشش می‌شود به اختصار، روش‌های مورد استفاده در مطالعات معناشناسی تاریخی در قرآن کریم به بحث گذاشته شود.

۳-۱. تغییر؛ ملاک اصلی در رویکرد تاریخی به معنا

بر اساس تعریفی که فرهنگ دانشگاهی وبستر به دست داده است، «تاریخ»^۳ به معنای «مطالعه نظام‌مند رویدادها (وقایع)^۴ و روندها (جریان‌ها)^۵» است (Webster, 1916, p. 471). موضوع

۱. در قبال زنانی که به عنوان برده خریداری، یا در جنگ‌ها به اسارت گرفته می‌شدند و برایشان مهری تعلق نمی‌گرفت.

۲. برای نمونه، محقق حلی در خصوص موضوع مهریه چنین فتوا داده است که هر آنچه مالکیتش صحیح باشد -چه عین و چه منفعت-، می‌تواند مهر زن قرار گیرد (محقق حلی، ۱۴۰۳ق-الف، ج ۲، ص ۵۴۵). قانون مدنی ایران نیز به تبعیت از فقها، تعریفی از مهریه ارائه نکرده و تنها «مالیت داشتن» و «قابل تملک بودن» را از ویژگی‌های آن برشمرده است (نک: ماده ۱۰۷۸).

3. History

4. events

5. movements

هر مطالعه تاریخی نیز «تغییر» یا «تحول»^۱ است؛ تغییراتی که گاه به صورت ناگهانی رخ می‌دهند و رویدادها را به وجود می‌آورند، و گاه به صورت تدریجی و روندی شکل می‌گیرند و بستر را برای وقوع یک رویداد بزرگ فراهم می‌سازند (پاکتچی، ۱۳۹۱ش-ب، ص ۲۳-۳۰).
با این تعریف، رویکرد تاریخی در حوزه زبان‌شناسی در صدد است که بدانند یک زبان خاص-مثل زبان عربی- در طول تاریخ چه رویدادها و روندهایی را پشت سر گذاشته و چه تغییر و تحولاتی را به خود دیده است؛ حال این مطالعه تاریخی هم می‌تواند درباره زبان عربی به طور عام انجام پذیرد، و هم می‌تواند یک واژه خاص از این زبان را به بررسی گذارد (پاکتچی، ۱۳۹۷ش، ص ۵۰).

مبتنی بر مباحث فوق، معناشناسی تاریخی^۲ دانشی است که تحولات معنایی یک واژه را در گذر زمان مورد مطالعه قرار می‌دهد. برای تحقق این هدف، ضروری است قدیم‌ترین ریشه‌های آن واژه-در قالب یک مطالعه تطبیقی با زبان‌های خویشاوند- بازشناخته و سپس مرحله به مرحله، تحولات معنایی آن در طول تاریخ به بحث گذاشته شود (Bussmann, 2006, pp. 1048, 385). به این ترتیب، آنچه در معناشناسی تاریخی از محوریت برخوردار است، «تغییر معنایی»^۳ و نیز مشخص کردن زمان این تغییر-یعنی تاریخ‌گذاری^۴ تغییر- است (Palmer, 1999, pp. 254-263; Campbell, 1976, pp. 11-12; سوسور، ۱۳۷۸ش، ص ۱۲۹-۱۳۰؛ برای کاربست این روش در مطالعات قرآنی، نک: پاکتچی، ۱۳۹۱ش-الف، ص ۷۶-ب).

1. change

۲. معناشناسی تاریخی (Historical Semantics) از آن جهت که معنای واژگان را در گذر زمان مورد مطالعه قرار می‌دهد، گاه معناشناسی درزمانی (Diachronic Semantics) خوانده می‌شود (Campbell & Mixco, 2007, pp. 42, 77). در مقابل این دیدگاه، رویکرد همزمانی (synchronic) به معنا وجود دارد که روند تاریخی الفاظ را نادیده می‌گیرد و زبان را در یک مقطع زمانی خاص-بدون توجه به پیوست‌های قبلی و بعدی- به مطالعه می‌گذارد (سوسور، ۱۳۷۸ش، ص ۱۲۹-۱۳۰؛ Pilch, 1985, p. 407).

3. semantic change

4. dating

۳-۲. تبارشناسی / مسیرشناسی ساخت: روش‌های اصلی در مطالعات معناشناسی تاریخی
از منظر روشی، برای کاربرد معناشناسی تاریخی در مطالعات قرآنی دو روش عمده وجود دارد که عبارتند از: تبارشناسی واژگان و مسیرشناسی ساخت.
چنانکه از معنای لغوی «تبارشناسی»^۱ برمی‌آید، هدف از شناخت تبار یک واژه دست یافتن به ریشه‌ها و اصالت‌های آن واژه در زمان‌های دورتر است (See: Campbell & Mixco, 2007, pp. 56-57). از طریق مسیرشناسی^۲ ساخت نیز سیر حرکت یک واژه در طول تاریخ مورد بررسی قرار می‌گیرد تا ساخت‌های متعددی که بر اثر تحولات معنایی در آن واژه پدید آمده است، شناسایی شود (نک: پاکتچی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۰۰-۱۰۱).
برای ادامه بحث ضروری است شناختی اجمالی از سیر تحول واژگان قرآنی حاصل گردد و مبانی این دست از مطالعات تبیین شود.

۳-۲-۱. سیر تحول واژگان قرآنی؛ از زبان نیا تا زبان عربی

مبثنی بر داده‌های زبان‌شناسی تاریخی، اغلب واژگانی که در قرآن کریم به کار رفته‌اند، سیر تحول خود را از قدیم‌ترین زمان - به ترتیب - به این شکل طی کرده‌اند: (الف) زبان آفروآسیایی باستان؛^۳ (ب) زبان سامی باستان؛^۴ و (ج) زبان عربی که خود سه مرحله اصلی با عناوین «عربی کهن»،^۵ «عربی قرآنی»،^۶ و «عربی مدرسی»^۷ را پشت سر گذاشته است.

۳-۲-۱-۱. زبان آفروآسیایی باستان

زبان «آفروآسیایی» یا «آفریقایی-آسیایی» که به آن «حامی-سامی»^۸ نیز گفته می‌شود، یک

1. genealogy
2. stratology
3. Proto Afro-Asiatic
4. Proto Semitic
5. Old Arabic
6. Qur'anic Arabic
7. Classical Arabic
8. Hamito-Semitic

زبان باستانی با سابقه‌ای قریب به ده تا دوازده هزار سال است و نیای مشترک تعدادی از خانواده‌های زبانی در قاره‌های آسیا و آفریقا، با نام‌های سامی، بربری، مصری، چادی، کوشی و اوموتی^۱ به شمار می‌آید^۲ (Orel & Stolbova, 1995, p. ix; Bomhard, 2014, pp. 4-7). گرچه هیچ متن مکتوبی از این زبان باستانی بر جای نمانده است، اما زبان‌شناسان موفق شده‌اند با کاربست روش‌های زبان‌شناسی تاریخی، این زبان کهن را بازسازی نمایند^۳.

زبان آفروآسیایی، جدّ اعلاّی زبان عربی محسوب می‌شود و غالب واژه‌های عربی ریشه در همین زبان دارند. از این رو آغازین مراحل شکل‌گیری واژه‌های قرآنی را باید در این زبان باستانی بازجست. این اصل همواره بر قوّت خود باقی است، جز در خصوص واژگانی که از زبان‌های هندواروپایی مثل ایرانی و یونانی وام گرفته شده‌اند که به طبع نمی‌توان ریشه‌هایشان را در زبان آفروآسیایی باستان سراغ داد. برای مثال، واژه‌های قرآنی «استبرق»، «جُنّاح» و «سراییل» از زبان فارسی، و واژه‌های «ابلیس»، «قرطاس» و «قمیص» از زبان یونانی، به زبان عربی راه یافته و کاربرد پیدا کرده‌اند (See: Jeffery, 1938, pp. 47-48, 58-60, 102-103, 168-169, 235-236, 243, 273-274). نیز بلاسی، ۲۰۰۱م، ص ۱۴۹-۱۵۰، ۱۵۷-۱۵۹، ۲۲۶-۲۲۷.

1. Semitic, Berber, Egyptian, Chadic, Cushitic, Omotic

۲. نخستین بار فریدریش مولر (Friedrich Müller) - زبان‌شناس اتریشی - عنوان «حامی-سامی» را در سال ۱۸۷۶م بر این مجموعه زبانی اطلاق کرد؛ اما بعدها جهت اجتناب از تداعی برخی تصورات نژادی، گریبنرگ (Joseph Harold Greenberg) در سال ۱۹۵۰م، نام «آفروآسیایی» را برای اشاره به این خانواده بزرگ زبانی پیشنهاد داد (Bennett, 1998, p. 21-22; Crass, 2006, pp. 106-107).

۳. به طور کلی، از اصلی‌ترین وظایف دانش زبان‌شناسی تاریخی، یافتن ارتباط میان زبان‌هایی است که از یک اصل منشعب شده‌اند و با یکدیگر رابطه خویشاوندی دارند (مشکات‌الدینی، ۱۳۸۸ش، ص ۴۷-۴۸). پژوهشگران این عرصه، زبان‌هایی را که از عناصر مشترک در حوزه‌های آواشناختی (phonological)، سازه‌شناختی (morphological)، دستوری (syntactic) و واژگانی (lexical) برخوردارند، به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار می‌دهند تا بتوانند زبان مادر (parent language) یا زبان مشترک (common language) میان آنها را بازسازی نمایند. به زبان‌هایی که در زیرمجموعه یک زبان مادر قرار می‌گیرند، «خانواده زبانی» (language family) گفته می‌شود (Bussmann, 2006, pp. 275, 513-514, 643). از مشهورترین خانواده‌های زبانی که تاکنون در محافل زبان‌شناسی به اثبات رسیده‌اند، خانواده‌های زبانی «هندواروپایی» و «آفروآسیایی» هستند.

۳-۲-۱. زبان سامی باستان

تلقی نزد سامی‌شناسان چنین است که زبان سامی باستان در حدّ فاصل هفت تا هشت هزار سال پیش، از زبان آفروآسیایی باستان جدا شده و به زبانی مستقل مبدل گردیده است. این استقلال زبانی همزمان با دوره‌ای است که سخنگویان این زبان، قاره آفریقا را که مهد پیدایش زبان آفروآسیایی است، به قصد عزیمت به قاره آسیا ترک گفتند؛ در حالی که مصری‌زبانان، کوشی‌زبانان و اوموتی‌زبانان در بخش‌های شرقی آفریقا سکنا گزیدند، و چادی‌زبانان و بربرها در قسمت‌های غربی آفریقا به حیات خود ادامه دادند (Rubin, 2010, p. 3).

مبتنی بر داده‌های زبان‌شناسی تاریخی، برآوردها چنین است که زبان سامی باستان دست‌کم در طول دو هزار سال مورد تکلم قرار گرفته است، تا اینکه در حدّ فاصل پنج تا شش هزار سال پیش، به چهار شاخه زبانی از قرار زیر تقسیم شده است^۱:

(الف) شاخه شمالی حاشیه‌ای؛ با محوریت زبان اکدی.

(ب) شاخه شمالی مرکزی که خود به سه زیرشاخه فرعی تقسیم می‌شود:

(ب-۱) زیرشاخه اوگاریتی؛ با محوریت زبان اوگاریتی.

(ب-۲) زیرشاخه کنعانی؛ با محوریت زبان‌های عبری و فنیقی.

(ب-۳) زیرشاخه آرامی؛ با محوریت زبان‌های آرامی ترگوم، سریانی و مندایی.

(ج) شاخه جنوبی حاشیه‌ای که خود به سه زیرشاخه فرعی تقسیم می‌شود:

(ج-۱) زیرشاخه عربی جنوبی باستان؛ با محوریت گویش‌ها و زبان‌های متنوع در منطقه یمن، به‌ویژه زبان سبایی.

(ج-۲) زیرشاخه عربی جنوبی معاصر؛ با محوریت زبان‌های مَهْری، جِبالی و سُقَطری.

(ج-۳) زیرشاخه حبشی؛ با محوریت زبان گعزی.

(د) شاخه جنوبی مرکزی؛ با محوریت زبان عربی - موسوم به عربی شمالی - که قرآن کریم

بدان نازل شده است^۲ (برای آگاهی بیشتر درباره زبان‌های سامی و نسبت میان آنها، در منابع

۱. برای آگاهی بیشتر درباره دسته‌بندی زبان‌های سامی، نک: Huehnergard & Rubin, 2011, pp. 259-278.

۲. چندین دهه است که بر اساس مطالعات زبان‌های سامی اثبات شده است که گویش‌های رایج در مناطق حجاز و نجد، از تفاوتی بارز با گویش‌های رایج در منطقه یمن برخوردار بودند. سامی‌شناسان براساس اینکه

فارسی، ر.ک: مشکور، ۱۳۷۰ش، سراسر اثر؛ در منابع عربی، ر.ک: ولفنزن، ۱۹۲۹م، سراسر اثر؛ بروکلیمان، ۱۹۷۷م، ص ۱۱-۳۴؛ عبدالتواب، ۱۴۲۰ق، ص ۲۵-۴۲؛ در منابع لاتین، ر.ک: Wright, 1890, pp. 1-34; O'Leary, 1923, pp. 1-23; Lipinski, 1997, pp. 41-85).

به کلیه زبان‌های فوق، «خانواده زبان‌های سامی»^۱ اطلاق می‌شود؛^۲ این زبان‌ها دارای یک نیای مشترک هستند، با یکدیگر خویشاوندی زبانی دارند، و از شباهت‌های بسیاری در حوزه‌های آواشناختی، سازه‌شناسی، دستوری و واژگانی برخوردارند (Moscatti, 1980, p. 3).

۳-۲-۱-۳. زبان عربی

چنانکه پیش‌تر گفته آمد بر پایه داده‌های زبان‌شناسی تاریخی، زبان عربی در سیر تحول خود سه دوره اصلی را پشت سر گذاشت که از لحاظ قدمت، به ترتیب عبارتند از: عربی کهن، عربی قرآنی و عربی مدرسی (کلاسیک). پیداست که این زبان‌ها مراحل تحولی یک زبان واحد هستند؛ اما در عین اینکه شباهت‌های زیادی به هم دارند، نباید از تفاوت‌های بارز میان آنها غافل ماند (پاکتچی، ۱۳۹۷ش، ص ۷۲).

الف) عربی کهن: گونه‌ای از زبان عربی است که در مرحله‌ای میانی بین زبان سامی باستان و زبان عربی قرآنی قرار دارد و از قرن اول تا چهارم میلادی به آن تکلم شده است. آگاهی‌ها

هر دوی این زبان‌ها در شبه‌جزیره عربستان مورد استفاده قرار می‌گرفتند، هر دو را عربی نام نهاده و آنها را براساس شمالی و جنوبی بودن، طبقه‌بندی کرده‌اند. مردمان یمن در عصر فتوح و پس از پذیرش اسلام، زبان مادری خود را و نهادند و همچون مصریان و بربران، به عربی شمالی تغییر زبان دادند (O'Leary, 1923, pp. 16-17, 21-22؛ بروکلیمان، ۱۹۷۷م، ص ۲۸، ۳۱-۳۲؛ نیز پاکتچی، ۱۳۹۲ش-الف، ص ۲۹-۳۰). شایان ذکر است از سده‌ها پیش، برخی از عالمان مسلمان نیز بر متفاوت بودن زبان قدیم یمن با شمال عربستان تأکید کرده بودند؛ مثلاً ابوعمرو بن علاء (د ۱۵۴ق) چنین بیان می‌دارد: «زبان مردمان حمیر و اقصی نقاط یمن، زبان ما نیست و عربی آنان عربی ما نیست» (ابن سلام جمحی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۱۱).

1. Semitic language family

۲. نخستین بار، آگوست لودویگ فون اشلوتسر (August Ludwig von Schlözer) اصطلاح «سامی» را در سال ۱۷۸۱م، با الهام از آیات عهد عتیق (نک: سفر پیدایش، ۱۰: ۲۱-۳۱؛ ۱۱: ۱۰-۲۶) به کار برد (Bennett, 1998, p. 19; Bussmann, 2006, p. 1056). فرضیه او در طول چند سده پژوهش علمی، مسیر تکامل خود را در پیش گرفت و به نظریه‌ای تثبیت‌شده در دانش زبان‌شناسی مبدل گشت.